

از کتاب : لماذا اخترت مذهب الشيعة ؟

چرا مذهب شیعه را انتخاب کردم ؟

«نور حق و حقیقت گاهگاه از قلب بعضیها تجلی می‌کند تا شاید حجتی بر سایر مردم بوده باشد .

۳ سال قبل یعنی در سال (۳۸) هجری قمری کتابی تحت عنوان «چرا مذهب شیعه را انتخاب کردم» توسط یک دانشمند سنی بعد از بررسی کامل در فرق مختلف اسلام در سوریه منتشر شد . در اکثر مسالک اسلامی بحث گردید که نمودهای از تجلی نور حقیقت در قلبهای سابق و کنشکار می‌باشد .

جالب توجه این است که نویسنده این کتاب که نام «شیخ محمد مرعی امین انطاکی» موسوم است خود یکی از دانشمندان اهل تسنن بوده و از دانشگاه «الازهر» مصر فارغ التحصیل شد ؛ مورد توجه رهبران دینش عمان دانشگاه قرار گرفته ، بطوری که باو پیشنهاد شده بود که بعنوان اسناد در همین دانشگاه تدریس کند ولی وی از قبول این تقاضا خود داری کرد .

مؤلف این کتاب با این شخصیت ، در اثر حسی کنشکاری و حقیقت جوئی ، دست از مذهب و عقیده خود که شافعی بود برداشته و مذهب شیعه اثنی عشری را ، از میان مذاهب اسلامی انتخاب کرده است ، و در این خصوص کتابی نگاشته است که از جهت طالب توجه است . وی در این کتاب عللاً انتخاب مذهب شیعه را از میان مذاهب مختلف اسلامی بنفصیل بیان کرده و دین شیعه را اصل اساس سایر مذاهب می‌داند و مسافر تپهایی نیز با اغلب معالمک اسلامی از جمله ایران و عراق نموده و بارهبران مذهبی این دو کشور در قم و نجف مذاکراتی کرده و عقاید آنها را بعنوان بنیاد مذهب شیعه از نزدیک مورد بررسی قرار داده است .

و در ضمن بررسیها دریافته است که تمام نسبتهای ناروای گوناگونی که بشعبان داده و می‌دهند ، همه بی اساس بوده در از حقیقت است و ما در این مقاله قسمتهای جالب این کتاب را برای اطلاع خوانندگان گرامی برای اولین بار از عربی به فارسی ترجمه می‌کنیم .

* * *

مختصری از تاریخ زندگی مؤلف

مؤلف در مقدمه این کتاب مینویسد :

در چهار فرسخی شهر **انطاکیه** در یک قریه کوهستانی خوش آب و هوا و سرسبز بنام **عنصوه** در سال (۱۳۱۴) هجری قمری پانزده ساله حیات گذاردم .

هنگامیکه برای تحصیل علم ، رفد کافی یافتم ، پدرم مرا به مکتب فرستاد تا خواندن و نوشتن را یاد بگیرم ، و بعد از فرا گرفتن قرآن و کتابت ، پدرم مرا برای کمک بکارهای استاد پیش وی باقی گذاشت ولی از آنجا که آتش شوق تحصیل علم در دل من شعله ور بود و از طرفی نیز پیش استادم زمینه کافی در تحقق این علاقه پاک موجود نبود ، ناچار برای کسب علم ودانش ، پیش استاد دیگری نام شیخ حبیب بقریه ایکه نزدیکه ای قریه بود روانه شدم و قریب ۳-۴ سال من و برادر ام (شیخ احمد) از محضر استاد خود استفاده کردیم سپس بشهر انطاکیه منتقل شده و در مدرسه ای فرد مدسی دیگر بنام (شیخ لطفی) و (محمد سعید عراقی) که از طرف حکومت دست نشانده دولت فرانسه در سال ۱۹۱۹ میلادی بسوریه تبعید شده بود ، بتحصیل دانش و کسب کمالات معنوی مشغول شدم و سپس برای ادامه تحصیل علوم دینی و تکمیل آن در دانشگاه «الازهر» مصر رستگار کشور مصر گردیدم و با برادر ام که قبل از من در این کشور مشغول تحصیل علم بود وارد دانشگاه شدیم . در مدت کمتری علوم اسلامی را پیش استادان و مشایخ آن دانشگاه فرا گرفتم .

در ضمن تحصیل بقدری کوشش و فعالیت من مورد توجه استادان دانشگاه قرار گرفت ، به طوری که بعد از خاتمه تحصیلات بمن پیشنهاد کردند که در کشور مصر بمانم و تدریس در آن دانشگاه مشغول شوم ولی به علت اینکه کشور خودم (سوریه) احتیاج زیادی بوجود دانشمندان و فوئها و مفسرین داشت از قبول این تقاضا امتناع ورزیدم ، روی این جهت بعد از خاتمه تحصیل بکشور خود (سوریه - حلب) برگشتم و در حدود ۱۵ سال تدریس علوم اسلامی و افتاء و ایراد خطبه و اقامه نماز جمعه و جماعت بمنظور انجام وظائف مدنی دینی اشتغال ورزیدم .

مذهب شیعه اصل سایر مذاهب اسلامی است

من منقدهم که مطابق منابع تاریخی شیعه و سنی مذهب شیعه اصل و اساسی مذاهب اربعه می باشد و آنها در جنبه های مثبت خود مدیون پیشوایان بزرگ شیعه هستند زیرا :

ابوحنیفه اولین کسی است که علوم خود را از امام جعفر صادق علیه السلام یاد گرفته

و شاگرد وی میباشد و خود نیز بان اعتراف میکند آنجا که گوید: «اگر نبود آن دو سال که در محضر امام صادق (ع) کسب علوم و حقایق کردم هر آینه هلاک میشدم» (۱)

مالک نیز آراء فقهی خود را از کتابهای ابوحنیفه استفاده کرده است و **شافعی** نیز شاگرد وی بوده ، معلومات خود را از وی یاد گرفته ، چنانکه **احمد حنبل** نیز شاگرد او بوده ، در معلومات خود مدیون اوست .

بنابر این آنچه از مسائل فقهی و آرائی که در کتب این مذاهب چهارگانه موافق با عقیده شیعه وجود دارد مرهون راهنماییهای امام صادق (ع) است و آنچه مخالف عقاید شیعه میباشد مسائلی است که خود آنها ، بمقتضای فکرشان با آنها اضافه کرده اند . همین حقیقت تاریخی یکی از اسبابی است که مرا شایسته این آئین کرد و باعث شد که تشیع خود را سرریحاً اعلام کنم .

بعد از انتخاب مذهب شیعه و انتشار کتاب من در سراسر ممالک اسلامی نامه های متعددی از ممالک اسلامی دریافت داشتم که از من خواسته بودند توضیح دهم بجهت اعتنا از مذهب قدیمی خود که بعد از مدتی پیرو آن بوده و طبق آن عمل میکردم دست کشیده و بذهب شیعه که و بده نام ناچار من دست تألیف این کتاب زدم .

سپس مؤلف حال ته بر مذهب خود را با مطالب جامعی بطور شرح ذکر میکند که در طی ذالالت آینده از نظر خوانندگان خواهد گذشت .

(۱) «لولا الاستنانه لهلك النعمان»

بقیه از صفحه ۵۴ غنی برند ولی سود چنان بالای سود جمع شده که اصل بدهی چندین برابر گشته و هستی و زندگی بکار بیچاره بخطر افتاده چه حالت وضعیتی پیش می آید؟ در این موقع چنانکه سراسر وجود بکار بیچاره بر با خوارگشت و نفرین بفرستد و تشنه خون او باشد چه انتظار دیگری از او میتوان داشت ؟

بنا بر این شرایط بحرانی است که همه جا جنایت و خشنک و فوج رخ بردهد فراوان دیده شده که بکار بیچاره که در دستشان از همه جا کوتاه شده ، طلبکار را با وضع فحیحی کشته اند .

چنانکه بسیاری از آنها چنان از زندگی خود سیر شده اند که راهی بجز خاتمه دادن بزندگی و انتحار ! پیش پای خود ندیده اند . سراسرهای وسیع را گستره تهران تا کنون شاهد منظر

محسوس از این انتحارهای رقت آور بوده است و صفحات حوادث روزنامه ها از این گونه آدم کش ها و با خود کشته ها که از شیوع ربا خواری سرچشمه میگردد فراوان منتشر میکنند !

در اینجا باید توجه داشت عملاً ثابت شده تصور اینکه ربا خواری طوری محدود شود که منجر به این مناسد نگردد تصویر کاملاً غیر عملی است پیداء ، وقتی يك تبادل اقتصادی بر اساس

تقلیل استوار بوده و تنها برای تأمین منافع رباخوار تنظیم شده باشد با محدود کردن آن نمیتوان از مناسدان جلوگیری کرد (بحد در باره مفاسد اخلاقی و اقتصادی ربا را در شماره آینده خواهید خواند) .